

مطالعه کیفی موانع و چالش‌های توسعه زیست بوم کارآفرینی^۱ در استان خوزستان^۲

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/JEDS.2021.43642.1490

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

معصومه باقری^۳

علی بوداگی*^۴

مرضیه شهرياری^۵

چکیده

با گذار از جامعه پیشامدرن به جامعه‌ی مدرن و فراصنعتی، توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در راستای اشتغال‌زایی و توسعه‌ی پایدار توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است. اساساً زیست‌بوم کارآفرینی، محیط خلاق را برای کارفرینان و نوآوران فراهم می‌کند. توسعه زیست‌بوم کارآفرینی در گرو شناسایی موانع و چالش‌های این حوزه از منظر خبرگان می‌باشد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان می‌باشد. روش تحقیق کیفی و مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر شامل ۳۷ نفر از کارآفرینان، مدیران شرکت‌های دانش بنیان و اساتید رشته‌های اقتصاد، مدیریت و جامعه‌شناسی استان خوزستان می‌باشد که به روش نمونه‌گیری هدفمند و با لحاظ قاعده اشباع و حداکثر تنوع انتخاب شده است. کدگذاری یافته‌های مصاحبه نشان داد که مقولاتی چون ضعف رهبری استراتژیک و کارآفرینانه، بحران سرمایه‌ی روان‌شناختی، عوامل جمعیت‌شناختی و زمینه‌ای، فرسایش سرمایه اجتماعی، ساختار سازمانی بوروکراتیک و غیر تواناساز، رکود و بی‌ثباتی اقتصادی، شکاف آگاهی و آموزش ناکافی، اقتصاد تک محصولی از موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان می‌باشد. همچنین، از متن یافته‌های مصاحبه‌ها، عادت‌واره دولتی به عنوان مقوله مرکزی مکشوف گردید.

واژگان کلیدی: عادت‌واره دولتی، ساختار سازمانی بروکراتیک و غیر تواناساز، شکاف آگاهی، بحران سرمایه‌ی روان‌شناختی.

1. Entrepreneurial Ecosystem

۲. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی توسعه‌ی زیست بوم کارآفرینی، نوآوری و بهبود فضای کسب و کار در راستای رشد اقتصادی شتابان پایدار و اشتغال‌زایی در استان خوزستان است که با حمایت اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خوزستان و معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهید چمران اهواز اجرا شده است.

m.bagheri@scu.ac.ir

۳. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، اهواز، ایران

A.Boudaghi@scu.ac.ir

۴. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

M.Shahryari@scu.ac.ir

۵. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، اهواز، ایران

مقدمه

امروزه کارآفرینان و شرکت‌های نوپا با سرمایه‌گذاری جدید در سراسر جهان در حال افزایش هستند. با توجه به این افزایش چشمگیر، تلاش‌ها برای یافتن راه‌های بیشتر برای درک چگونگی کمک به این سرمایه‌گذاری‌های نوظهور افزایش یافته است (کورتوک^۱، ۲۰۱۷). اکوسیستم کارآفرینی به عنوان تلاش سازمان یافته برای ایجاد محیط‌هایی که منجر به افزایش موفقیت در سرمایه‌گذاری‌های تازه تأسیس شد، مطرح شده است. با این حال، از آنجا که این اصطلاح محبوبیت بیشتری پیدا کرده است، یک سؤال پایدار باقی می‌ماند که دقیقاً مفهوم یاد شده چیست و اکوسیستم کارآفرینی از چه چیزی تشکیل می‌شود (لیگوری و همکاران^۲، ۲۰۱۸: ۲-۱). محققان اکوسیستم کارآفرینی را ترکیبی از عوامل هماهنگ و متقابلاً وابسته تعریف می‌کنند که منجر به تشکیل یک محیط خلاق برای کارآفرینی در یک کشور می‌شود. ایزنبرگ^۳ (۲۰۱۰) سیزده عنصر را به عنوان ابعاد اصلی یک اکوسیستم کارآفرینی ذکر می‌کند: فرهنگ، سرمایه، آموزش، دولت، منابع انسانی، خوشه‌های اقتصادی، زیرساخت‌ها، رهبری، شبکه‌ها، خدمات پشتیبانی، داستان‌های موفقیت و مشتریان اولیه. علاوه بر این عوامل، برخی محققان (برای مثال، مولر و فلنوفر^۴، ۲۰۱۸، فیلک و همکاران^۵، ۲۰۱۸، گروگر^۶، ۲۰۱۵، هارر و لنهیر، ۲۰۱۹) دولت، رسانه‌ها و مؤسسات (آموزشی و مالی) را در نظر می‌گیرند (آدرتسچ و همکاران^۷، ۲۰۱۹: ۳). به گفته پراهالاد^۸ (۲۰۰۵)، رشد کارآفرینی در محیط پیچیده امروز نیاز به حمایت منسجم از کنشگران زیادی دارد که در یک جامعه فعال هستند (ایوانوف و دولگی^۹، ۲۰۱۸؛ سورس و رامراج^{۱۰}، ۲۰۱۲). طبق دیدگاه موکری (۱۹۸۸)، اگر جامعه برای کارآفرینان ارزش قائل باشد، در این صورت، از توسعه سیستم‌های اجتماعی که مشوق آنها هستند، حمایت زیادی می‌کنند (مجاهدی و همکاران، ۲۰۱۹: ۳).

با توجه به موارد ذکر شده، در جهان امروز، تفکر نوآوری و کارآفرینی و استفاده از آن در جامعه به منظور رشد اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است. رشد اقتصادی، به عواملی نظیر توانایی، خلاقیت و نوآوری منابع انسانی آن‌ها وابسته است. اگر سرمایه‌های انسانی خصوصاً جوانان جامعه کارآفرین باشند؛ فرصت‌های اقتصادی را بهتر درک کرده و قادر خواهند بود از منابع موجود به منظور نوآوری، بیشتر استفاده می‌کنند و در نتیجه، سریع‌تر رشد کرده و در صحنه رقابت بیشتر

1. Kuratko
2. Liguori et al
3. Eisenberg
4. Fellnhofner & Mueller
5. fink
6. krueger
7. Mokry
8. Prahalad
9. Ivanov & Dolgui
10. Suresh & Ramraj

دوام آورند (میلر^۱، ۱۹۸۳: ۵۴). در نظر ویلیام بایگرو، تصمیم‌گیری یا فقدان تصمیم‌گیری برای ورود به کسب و کار و تعقیب ایده‌ی کارآفرینی به عواملی نظیر شرایط کودکی، وضعیت نظام خانواده، دوستان، الگوی نقش و وضعیت اقتصادی تجارب قبلی بستگی دارد (یوسف‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). طبق نتایج تحقیقات انجام شده در حوزه‌ی کارآفرینی هر چقدر سطح فعالیت‌های کارآفرینی نوآورانه در کشوری بالاتر باشد، سطح رشد و توسعه اقتصادی در آن بالاتر خواهد بود. این در حالی است که آمارهای کشور ما و همچنین گزارش‌های جهانی نشان می‌دهند که ایران وضعیت چندان مناسبی در نوآوری و کارآفرینی نوآورانه ندارد. به عنوان مثال، رتبه ایران در گزارش نمایه نوآوری جهانی ۲۰۱۷ در میان ۱۲۷ کشور جهان ۷۴ام و در گزارش نمایه کارآفرینی جهانی ۲۰۱۷ در میان ۱۳۷ کشور جهان ۸۵ام بوده است (ایسنا، ۱۳۹۷). در حالی که در بسیاری از کشورها، حمایت دولت برای پیشبرد کارآفرینی مؤثر و دولت نقش مهمی دارد. اول، نقش نظارتی است که سیاست‌های مربوط به فراهم کردن زمین بازی عادلانه را تشکیل می‌دهد. دوم نقش توسعه‌ای از طریق کمک‌های مالی و سایر انواع کمک‌ها می‌باشد (مالن و مارکوس^۲، ۲۰۱۷). از این رو طی سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها، توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی، نوآوری را در راستای رشد اقتصادی و اشتغال و نوآوری در اولویت قرار داده‌اند؛ کشور ایران خصوصاً استان خوزستان هم مستثنی از این قاعده نیست. بر این اساس، واکاوی علمی و تحلیل جامعه‌شناختی این پدیده با توجه به شرایط زیستی، تنوع قومیتی و وجود ظرفیت‌های بالقوه کارآفرینی اعم از کارآفرینی در حوزه‌های دانش بنیان و حوزه‌هایی چون کسب و کار خانگی در استان خوزستان اهمیتی دو چندان می‌یابد. با عنایت به نتایج سرشماری اخیر (۱۳۹۵)، هرم سنی جوان استان خوزستان به مثابه جمعیت فعال بالقوه، موهبت و فرصت جمعیتی برای استفاده از توان فکری بالای جوانان استان خوزستان در عرصه‌ی کارآفرینی است که در صورت عدم توجه شایسته به این پنجره‌ی فرصت جمعی از طریق سازوکارهایی چون توسعه‌ی کارآفرینی و اشتغال‌زایی و ... پنجره یاد شده به پنجره‌ی تهدید جمعیتی با عوارضی چون بیکاری، آسیب‌های پنهان منبعث از بیکاری، افزایش نسبت وابستگی و ... مبدل خواهد شد. توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی و همچنین تحقق نقشه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی در گرو شناسایی موانع و چالش‌های این حوزه از منظر خبرگان می‌باشد. در استان خوزستان بایستی زمینه را به گونه‌ای فراهم کرد که ذینفعان با طیب خاطر تمامی توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود را در جهت تحقق کارآفرینی به کارگیرند (مقیمی، ۱۳۸۵: ۲۷). بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر مطالعه‌ی کیفی موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان می‌باشد. نتایج مطالعات و تحقیقات انجام گرفته در خارج نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه‌ی روان‌شناختی، شبکه‌ی اجتماعی و کارآفرینی (نادمی، ۱۳۹۹)، از پیشران‌های اصلی

1. Miller

2. Malen & Marcus

توسعه‌ی کارآفرینی می‌باشد. با توجه به نرخ بالای بیکاری در استان خوزستان (۱۴/۴) در بهار ۱۳۹۹ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹)، مطالعه‌ی کیفی موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی به منظور بهبود فضای کسب و کار، افزایش میزان مشارکت اقتصادی افراد در بازار کار و در نهایت، کاهش بیکاری در استان خوزستان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. مرور سیستماتیک مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در مطالعات داخلی انجام شده موانع و چالش‌های توسعه زیست‌بوم کارآفرینی از منظر خبرگان و با رویکرد کیفی شناسایی نشده و تحقیقات اندک انجام شده غالباً گرایش به کارآفرینی و نه زیست‌بوم کارآفرینی را با رویکرد قیاسی و روش کمی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ این در حالی است که با رسوخ به لایه‌های ذهنی افراد و با انجام مصاحبه‌های عمیق می‌توان موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی را در این استان جهت ترویج کارآفرینی و بهبود فضای کسب و کار شناسایی نمود. بنابراین، این پژوهش با اتخاذ رویکردی کیفی به دنبال شناسایی موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان می‌باشد. از این‌رو، در راستای موارد فوق‌الذکر سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که از نظر خبرگان، موانع و چالش‌های عمده در توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی استان خوزستان کدامند؟

ادبیات پژوهش

در این تحقیق با عنایت به کیفی بودن روش پژوهش، مرور مبانی نظری و پیشینه‌ی تجربی در راستای ایجاد حساسیت نظری^۱ و برای فهم عمیق مسئله‌ی پژوهش می‌باشد. در این ارتباط، استراوس و کوربین معتقدند که آشنایی با ادبیات تحقیق موجب فراهم آوردن زمینه فکری غنی از اطلاعاتی می‌شود که محقق را با چند و چون موضوعی که در دست مطالعه دارد، آشنا می‌نماید (پبله‌وری، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

زیست‌بوم کارآفرینی

زیست‌بوم کارآفرینی رویکردی نوظهور در پژوهش‌های کارآفرینی است که پژوهشگران، متخصصان و سیاستگذاران در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه توجه زیادی به آن کرده‌اند (رونندی و رونندی^۲، ۲۰۱۷: ۲۱۸). والدز^۳ برای نخستین بار (۱۹۸۸) رویکرد زیست‌بوم کارآفرینانه را معرفی کرد که شامل تعامل بین شاخص‌های محیط اقتصادی و تصمیم کارآفرینانه است (رونندی و همکاران^۴، ۲۰۱۷: ۱۰۰). اکوسیستم‌های کارآفرینی، راهکاری می‌باشند که با هدف توسعه اقتصادی، ارتقاء کارآفرینی، رشد مشاغل کوچک و نوآوری طراحی می‌شود (راوانی^۵،

1. Theoretical sensitivity
2. Roundy & Roundy
3. Valdez
4. Roundy, Brockman & Bradshaw
5. Rawani

۲۰۱۹: ۳). زیست‌بوم کارآفرینی به افراد، سازمان‌ها و نهادهایی اشاره دارد که محرک یا مانع تصمیم فرد برای کارآفرین شدن بوده و یا بر احتمال موفقیت او در صورت راه‌اندازی کسب و کار کارآفرینانه مؤثرند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ زیست‌بوم را شامل چارچوب‌های تنظیمی، شرایط بازار، دسترسی به منابع مالی، تحقیق و توسعه و فناوری، فرهنگ و قابلیت‌های کارآفرینانه معرفی کرده است. زیست‌بوم‌ها، محیطی را ایجاد می‌کنند که لازم است عناصر آن هم‌نوا با یکدیگر برای شکوفایی بنگاه‌های نوآور و پررشد به نظم درآیند (پایش و بهبود نظام کارآفرینی ایران، ۱۳۹۵: ۹). ابعاد این مفهوم یاد شده عبارتند از: سیاست، تأمین مالی، زیرساخت، بازارها، سرمایه انسانی، حمایت/ خدمات/ ارتباطات، فرهنگ، تحقیق، توسعه و نوآوری و در نهایت شرایط اقتصاد کلان (احمد و هافمن^۲، ۲۰۰۸) در این ارتباط، فرانکل^۳ و همکاران معتقدند که در تحلیل زیست‌بوم باید به ابعاد تاریخی، فرهنگ، چارچوب قوانین و مقررات، آموزش، علم و تأمین مالی توجه شود. در دیدگاه آن‌ها چارچوب تحلیل زیست‌بوم نوآوری شامل چهار بعد فرهنگ، بازارها، زمینه و نهادها است (فرانکل، ۲۰۱۵). آیزنبرگ^۴ (۲۰۱۵) عناصر زیست‌بوم کارآفرینی را شامل دولت، فرهیختگان یا رهبران عرصه، بازار و سرمایه، انجمن‌های غیرانتفاعی، نهادهای آموزشی، کارآفرینان داخل کشور و پیوند آن‌ها با کارآفرینان خارج از کشور معرفی کرده است (آیزنبرگ، ۲۰۱۵: ۴۵). کارآفرینی پدیده‌ای فرابخشی و چندوجهی است به نحوی که از یک سو متأثر از همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده و از سوی دیگر بر این ابعاد تأثیرگذار است. دابسون^۵ (۲۰۰۹) توسعه زیست‌بوم کارآفرینی را در گرو وجود و تأمین پنج مؤلفه اساسی می‌داند که عبارتند از آموزش کارآفرینی، تحقیق و توسعه، دسترسی به وام و سرمایه، شناخت شبکه‌های کارآفرینی و شکل‌گیری محیط حمایت‌کننده (دابسون، ۲۰۰۹: ۲۸).

آیزنبرگ (۲۰۱۱) نیز پیش شرط توسعه اقتصادی و کوتاه‌ترین مسیر رشد، همچنین کاربست موفقیت‌آمیز راهبردهایی چون سیستم‌های ملی نوآوری، رقابت ملی، ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را توجه به زیست‌بوم کارآفرینی می‌داند (آیزنبرگ، ۲۰۱۱: ۱۳). اَشپینگل (۲۰۱۷) با توجه به نقش و اهمیت زیست‌بوم کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه بر این باور است که تجزیه و تحلیل زیست‌بوم کارآفرینی مبتنی بر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک کشور یا شهر است؛ در مدل زیست‌بوم کارآفرینی اَشپینگل (۲۰۱۷)، زیست‌بوم‌های کارآفرینی سه ویژگی اصلی دارند: ویژگی‌های فرهنگی (فرهنگ حمایتی، پشتیبانی کارآفرینی)، اجتماعی (تخصص نیروی کار، شبکه‌ها، سرمایه‌گذاری، مشاوران و مدل‌های تأثیرگذار) و مادی (سیاست، دانشگاه، زیرساخت‌ها، خدمات حمایتی و بازارهای باز)

1. OECD
2. Ahmad & Hoffmann
3. Frenkel
4. Isenberg
5. Dabson

(خینگ و همکاران^۱، ۲۰۱۹: ۲). در ارتباط با نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه زیست‌بوم کارآفرینی می‌توان ادعان داشت «این نوع سرمایه نقش مهمی در فعالیت‌های کارآفرینانه دارد؛ چرا که کارآفرینی یک فرآیند اجتماعی-اقتصادی است که از دو طریق متکی به شرایط و بافت اجتماعی است، اول این که کارآفرینان افرادی هستند که محصول محیط اجتماعی خود بوده و دوم آن که کارآفرینی یک فعالیت اجتماعی است. در نتیجه، وجود یا عدم وجود پیوندها و ارتباطات اجتماعی بر ماهیت کسب و کار تأثیر می‌گذارد (ریعی و صادق‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

از نظر بوردیو^۲ سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه و یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه‌ی بادوام از روابط کم‌و‌بیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود (خاکباز و پویان، ۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی از تغییراتی در روابط میان اشخاص حاصل می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند. این سرمایه در روابطی که بین اشخاص برقرار است؛ یافت می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۷۸). وی در تئوری منطق کنش تصریح کرده که عمل از طریق ساختار تولید می‌شود. وی همچنین معتقد است که عادت‌واره‌ی کنشگران اجتماعی در تولید کنش (کارآفرینانه) و بازتولید ساختارها نقش مهمی دارد. عادت‌واره‌ی ساختارهای ذهنی هستند که مردم به وسیله‌ی آن با دنیای اجتماعی برخورد می‌کنند. انسان‌ها از طریق این طرح کلی است که هم عمل خود را پدید می‌آورند و هم آن‌ها را ادراک و ارزیابی می‌کنند (گلایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۶). سرمایه روان‌شناختی نیز تسهیل‌گر توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی می‌باشد. لوتاز سرمایه‌ی روان‌شناختی را وضعیت توسعه‌ای روان‌شناسی مثبت‌گرا تعریف می‌کند که شامل چهار مؤلفه خودکارآمدی/اعتماد به نفس، امیدواری، خوش‌بینی و انعطاف‌پذیری است (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷، به نقل از هویدا و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶) و نقش اساسی در کارایی و عملکرد افراد دارد. از دیدگاه انویک (۲۰۰۵)، افرادی که سرمایه روان‌شناختی بالایی دارند بیش از سایرین تلاشگر هستند و به دنبال رشد و پیشرفت می‌باشند.

پارسونز نیز توسعه فرهنگ خلاقیت و ابتکار را محصول نظام اجتماعی و تحت تأثیر نهاد خانواده و مدرسه می‌داند که در پرتو آن، انگیزه کنشگران برای بر عهده گرفتن نقش‌های تولیدی افزایش می‌یابد (ویسی و کریم‌زاده، ۸۹: ۱۶۴)؛ بنابراین، جامعه‌پذیری یکی از عوامل مؤثر در توسعه زیست‌بوم کارآفرینی و نوآوری می‌باشد.

همچنین، کارآفرینی به یک ساختار سازمانی مناسب نیاز دارد. طبق دیدگاه هولد و انتونی (۱۹۹۱)، ساختار سازمانی بر همه‌ی فرآیند سازمان تأثیر می‌گذارد و مفهوم یاد شده به مدل‌های روابط داخلی سازمان، قدرت، روابط و گزارش‌دهی، کانل‌های رسمی ارتباط، مسئولیت و تصمیم‌گیری اشاره دارد. ساختار سازمانی بایستی تصمیم‌گیری، واکنش مناسب به محیط و حل

1. Khieng & et al.

2. Bourdieu

اختلاف بین واحدها را تسهیل نماید (علی احمدی و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۴۵۶). رایز سازمان‌ها را به دو گروه مکانیکی و ارگانیکی طبقه بندی کرده است. طبق این دیدگاه، سازمان‌های ارگانیکی سازمان‌هایی هستند که از نظر انعطاف‌پذیری در سطح بالا و از نظر تمرکز، رسمیت و پیچیدگی، در سطح پایین قرار دارند. این سازمان‌ها شبکه‌ی ارتباطی گسترده‌ای دارند و کارکنان در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت داده می‌شوند. اما ساختار سازمانی مکانیکی با پیچیدگی و رسمیت بالا و مشارکت پایین اعضا در تصمیم‌گیری مشخص می‌شود. ساختار مکانیکی معادل ساختار هرمی شکل است (اوشق سری و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۵۰).

پیشینه تجربی پژوهش

حسینی‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان طراحی الگوی زیست‌بوم کارآفرینی در کسب‌وکارهای روستایی تعاون محور انجام دادند. روش پژوهش کاربردی و از دیدگاه نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی-پیمایشی است. نتایج تحلیل سلسله‌مراتبی فازی حاکی از آن است که بعد سیاسی حمایت صریح از کارآفرینی تعاون محور در اسناد بالادستی کشور، فرهنگی اجتماعی (کاهش ریسک مالی در سرمایه‌گذاران محلی)، تأمین مالی (تأمین مالی ارزان قیمت کسب‌وکارهای روستایی تعاون محور)، بعد حمایتی (بهبود همه‌جانبه زیرساخت‌ها (ارتباطی، مالی و ...)) و بازار ایجاد شبکه‌های ارتباطی در بین کارآفرینان ایرانی و بین‌المللی، از اهمیت بیشتری در یک اکوسیستم کارآفرینی در کسب‌وکارهای روستایی تعاون محور برخوردارند (حسینی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۱).

حیدری ساربان و مجنونی توتاخانه (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه‌ی روان‌شناختی در تقویت کارآفرینی روستایی در استان آذربایجان شرقی پرداخته‌اند. این پژوهش از نوع کاربردی و به روش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که متغیرهای امیدواری، اعتماد به نفس، خودکارآمدی، خوش‌بینی و تاب‌آوری توانایی تبیین ۰/۸۸ درصد از تغییرات متغیر تقویت کارآفرینی را دارند (حیدری ساربان و مجنونی توتاخانه، ۱۳۹۶: ۱).

ربیعی و سرابی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن بر کارآفرینی زنان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری میان سرمایه‌ی اجتماعی و هر سه بعد آن (ساختاری، رابطه‌ای و شناختی) با کارآفرینی زنان برقرار است (ربیعی و سرابی، ۱۳۹۲: ۱).

سیمونووا و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی را با عنوان شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری برای رهبری در اکوسیستم کارآفرینی انجام دادند. نتایج مقاله حاضر حاکی از آن است که اثرات

استفاده از شبکه‌های اجتماعی ممکن است در سطوح مختلف رخ داده و مثبت و هم منفی باشند. در سطح خرد اقتصادی با استفاده از رسانه‌های اجتماعی بازارهای محصولات را گسترش می‌دهد هرچند که باعث افزایش رقابت بین شرکت‌ها می‌شود (سیمونوآو و همکاران، ۲۰۲۰: ۱).

نیومر^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی اثرات نوع‌شناسی سرمایه‌گذاری، نژاد، قومیت و تجربه سرمایه‌گذاری گذشته بر توزیع سرمایه اجتماعی زنان کارآفرین در اکوسیستم‌های کارآفرینی می‌پردازند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سرمایه‌ی اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در دو اکوسیستم شهری ایالت فلوریدا، ایالات متحده (گاینزویل و جکسونویل) برای کارآفرینان زن و مرد به طور قابل توجهی متفاوت است (نیومر و همکاران، ۲۰۱۹).

شیل و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان مقدمه‌ای بر روی اکوسیستم‌های مبتنی بر محیط‌زیست دانشگاهی (UBEE): مطالعه موردی مدل از بنگلادش انجام دادند. این تحقیق ادبیات مربوط به اکوسیستم کارآفرینی مستقر در دانشگاه (U-BEE) و چارچوب پشتیبانی کارآفرینی را که در یک چارچوب مستقر در دانشگاه به کار گرفته شده است، ترکیب می‌کند. این امر مستلزم کار کردن روی ایده‌های نوآورانه، کار گروهی، مربیگری مناسب، شبکه‌سازی و توسعه روابط استراتژیک، بودجه، القاء ایده‌ها و آموزش مؤثر در زمینه مدیریت سرمایه‌گذاری است که باید با گذشت زمان فراهم شود و توسعه کارآفرینان در چارچوب دانشگاه باعث افزایش تعامل دانشگاه - صنعت و تأثیر مستقیم آن بر تولید اشتغال جدید در کشور خواهد شد (شیل و همکاران، ۲۰۲۰: ۱).

نتایج پژوهش تتودوراکی^۲ و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که استفاده از بعد ساختاری سرمایه اجتماعی، دسترسی به منابع را افزایش می‌دهد. پرداختن به بعد شناختی روابط بین اعضای اکوسیستم را تقویت می‌کند و سرمایه‌گذاری در بعد رابطه اعتماد را افزایش می‌دهد.

شوقی و سیفی‌پور (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان تأثیر ساختار سازمانی بر جهت‌گیری کارآفرینی کارکنان که به روش پیمایشی در بین ۴۷۰۰ کارکنان صنعت معدن شهر شهرک صنعتی کاوک انجام شده بود؛ به این نتایج دست یافتند که ساختار سازمانی بر جهت‌گیری کارآفرینی کارکنان تأثیر معنی‌داری دارد (شوقی و سیفی‌پور، ۲۰۱۳).

دوه و زولنیک (۲۰۱۱) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کارآفرینی پرداخته‌اند. آن‌ها یک شاخصی از سرمایه اجتماعی ساختند که شامل شاخص‌های اعتماد (عمومی و نهادی)؛ فعالیت‌های انجمن (عضویت منفعل و فعال)؛ و هنجارهای مدنی از خوداشتغالی به‌عنوان واسطه کارآفرینی است. نتایج حاصل حاکی از وجود رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و کارآفرینی است (دوه و زولنیک، ۲۰۱۱: ۱).

1. Neumeyer
2. Theodoraki

نتیجه مطالعات سارا شاهین (۲۰۱۸) در خصوص ارتباط سرمایه اجتماعی و زیست‌بوم کارآفرینی در لبنان ضمن تأکید بر سرمایه اجتماعی محلی و بومی به اهمیت شبکه‌های چند ملیتی در مرحله اشباع زیست‌بوم‌های کارآفرینی اشاره می‌کند (شاهین، ۲۰۱۸: ۱۴۷).

لی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان "تأثیر رهبری کارآفرینانه بر رفتار کاری نوآورانه" که به روش پیمایشی در بین ۳۵۰ نفر از کارکنان شرکت‌های کوچک و متوسط استان جیانگ سو چین انجام داده بود به این نتایج دست یافتند که رهبری کارآفرینانه بر رفتار نوآورانه کارکنان تأثیر مثبت دارد. محیط خلاقانه رابطه‌ی بین رهبری کارآفرینانه و رفتار نوآورانه را تعدیل می‌کند. خودکارآمدی کارآفرینانه تأثیر مثبت تعدیل‌کننده‌ی بر رابطه‌ی رهبری کارآفرینانه و رفتار نوآورانه کارکنان داشته است (لی و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۰۵). همچنین نتایج پژوهش بالوکو و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان "سرمایه روان‌شناختی و نتایج کارآفرینانه: نقش تعدیل‌کننده‌ی شایستگی اجتماعی صاحبان شرکت‌های کوچک در جنوب آفریقا" نشان داد که سرمایه‌ی روان‌شناختی و شایستگی اجتماعی با نتایج کارآفرینی رابطه دارد (بالوکو همکاران، ۲۰۱۸).

اوشق سری و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه‌ی بین ساختار سازمانی (مکانیکی و ارگانیکی) با کارآفرینی سازمانی (مورد مطالعه شرکت‌های تولیدی در غرب مازندران) به این نتیجه دست یافتند که بین ساختار سازمانی (مکانیکی و ارگانیکی) و کارآفرینی سازماندهی رابطه معنی وجود دارد (اوشق سری و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۵۰).

بروش و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان نگاهی جنسیتی به اکوسیستم‌های کارآفرینی دریافتند که اکوسیستم‌های اساسی کارآفرینی فرض ضمنی است که همه کارآفرینان از دسترسی برابر به منابع، مشارکت و پشتیبانی برخوردار هستند و همچنین شانس برابر برای یک نتیجه موفق (راه‌اندازی سرمایه‌گذاری) دارند. با این حال، در عمل، همیشه این‌گونه نیست. تحقیقات نشان می‌دهد که وقتی از جنبه‌های اساسی اکوسیستم کارآفرینی صحبت می‌شود، زنان در یک نقطه ضعف قرار دارند (بروش و همکاران، ۲۰۱۹: ۱). بررسی مطالعات و تحقیقات انجام شده در داخل و خارج نشان می‌دهد که در این پژوهش‌ها بیشتر با روش کمی عوامل موثر بر کارآفرینی نه زیست‌بوم کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این مطالعات موانع و چالش‌های زیست‌بوم کارآفرینی با روش کیفی بررسی نشده است. بنابراین، واکاوی موانع و چالش‌های زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان با روش کیفی از جنبه‌های نوآورانه این پژوهش می‌باشد.

روش‌شناسی

هدف اصلی پژوهش حاضر واکاوی موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان می‌باشد و در این پژوهش با توجه به موضوع و ماهیت پژوهش از روش کیفی استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش حاضر، ۳۷ نفر از مطلعین کلیدی حوزه‌ی کارآفرینی و نوآوری و اساتید رشته‌های اقتصاد، مدیریت و جامعه‌شناسی و متخصص بخش

خصوصی خصوصاً شرکت‌های دانش‌بنیان و در نهایت کارآفرینان استان خوزستان بوده است (که پیرامون توسعه‌ی کارآفرینی و نوآوری اطلاعات کلیدی دارند). در این بخش، پژوهش با نمونه‌گیری هدفمند شروع و بر اساس نمونه‌گیری نظری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت و بعد از ۳۷ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد. نمونه‌گیری نظری نوعی نمونه‌گیری هدفمند است که پژوهشگر را در خلق یا کشف نظریه یا مفاهیمی که ارتباط نظری آن‌ها با نظریه‌ی در حال تکوین به اثبات رسیده است، یاری می‌کند (خیرگو و سهیلی، ۱۳۹۷: ۳۲۲). در تحقیق حاضر برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته استفاده شده است. در این راستا، بعد از تنظیم پروتکل مصاحبه، مصاحبه از مطلعین کلیدی توسط مصاحبه‌گران آموزش دیده انجام شد. مصاحبه‌ها با هماهنگی قبلی و در محیط خلوت با رعایت حقوق اخلاقی آزمودنی‌ها انجام شد. مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود. به طور متوسط هر مصاحبه همچنین، بعد از کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان جریان مصاحبه از طریق ضبط صوت جهت تجزیه و تحلیل ثبت گردید. به منظور تحلیل یافته‌های مصاحبه، مصاحبه‌ها بلافاصله بعد از هر مصاحبه پیاده شد و چندین بار خوانده شده و به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش استراس و کوربین در سه مرحله ۱- کدگذاری باز ۲- کدگذاری محوری و ۳- کدگذاری گزینشی، تحلیل شدند. در این پژوهش برای بررسی اعتبار یافته‌های مصاحبه از تکنیک خودبازبینی محقق و تثلیث داده‌ای استفاده شده است. در تحقیقات کیفی روش «تثلیث» به استفاده از چندین روش یا منابع داده برای افزایش درک جامع از پدیده‌ها گفته می‌شود. تثلیث همچنین به عنوان یک استراتژی در تحقیق کیفی برای بررسی اعتبار از طریق همگرایی اطلاعات مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. از دیدگاه دیزین (۱۹۷۸) و پاتون (۱۹۹۹) تثلیث داده‌ای شامل جمع‌آوری داده‌ها از منابع مختلف از جمله افراد، گروه‌ها، خانواده‌ها، و جوامع، برای به دست آوردن چشم‌اندازی متفاوت و اعتبارسنجی داده‌ها می‌باشد (کارتر و همکاران، ۲۰۱۴: ۵۴۵). در این پژوهش برای احراز پایایی یا قابلیت انتقال یافته‌های مصاحبه از تکنیک‌های ۱. استفاده از رویه‌های ویژه‌ی کدگذاری و ۲. توصیف غنی از مجموعه داده‌های مطالعه‌ی مورد نظر در مرحله‌ی تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش با ۳۷ نفر از خبرگان اعم از مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان، اساتید متخصص حوزه‌ی کارآفرینی و کارآفرینان استان خوزستان مصاحبه انجام شده است. بررسی نتایج حاصل از متغیر جمعیت شناختی سطح تحصیلات پاسخگویان نشان داد که ۶ نفر (۱۶/۲ درصد) دارای مدرک لیسانس، ۱۰ نفر (۲۷ درصد) دارای مدرک فوق‌لیسانس، ۱۹ نفر (۵۱/۴ درصد) دارای مدرک دکتری و ۲ نفر (۵/۴ درصد) دانشجوی دکتری بوده‌اند. بررسی نتایج مربوط به متغیر سن

پاسخگویان نیز حاکی از این است که ۸ نفر (۲۱/۶ درصد) در محدوده سنی ۲۱ تا ۳۰ سال، ۱۶ نفر (۴۳/۲ درصد) در محدوده سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۰ نفر (۲۷ درصد) در محدوده سنی ۴۱ تا ۵۰ سال، ۲ نفر (۵/۴ درصد) در محدوده بالای ۵۰ سال و ۲/۷ درصد در این پژوهش سن خود را مشخص نکرده است. نتایج مربوط به متغیر شغل پاسخگویان نیز نشان داد که ۸/۱ درصد مدرس (حق التدریس)، ۲۴/۳ درصد هیئت علمی، ۱۳/۵ درصد کارمند، ۲/۷ درصد دارای شغل آزاد، مدیر کسب و کار، مدیر کارخانه و دانشجو، ۳۷/۸ درصد مدیر عامل، ۵/۴ درصد کارآفرین بوده‌اند. اکثریت مشارکت‌کنندگان (۴۰/۵ درصد) وضعیت شاخص‌های کارآفرینی و نوآوری استان خوزستان را در حد ضعیف گزارش نموده‌اند.

موانع و چالش‌های توسعه زیست‌بوم کارآفرینی از منظر خبرگان

تدقیق در یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که ۱. ضعف رهبری استراتژیک و کارآفرینانه ۲. بحران سرمایه‌ی روان‌شناختی، ۳. عوامل جمعیت‌شناختی و زمینه‌ای ۴. فرسایش سرمایه اجتماعی، ۵. ساختار سازمانی بوروکراتیک و غیر تواناساز ۶. رکود و بی‌ثباتی اقتصادی و ۷. ساختمان ذهنی دولتی از موانع و چالش‌های توسعه ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان می‌باشند.

جدول ۱: مفاهیم و مقولات مرتبط با موانع و چالش‌های توسعه زیست‌بوم کارآفرینی

مفاهیم	مقوله
دیدگاه توسعه محور نداشتن مدیران استان، فقدان دیدگاه کارآفرینی در بین مسئولان، نداشتن درکی از کارآفرینی، عدم آشنایی مدیران با مشکلات حوزه‌ی کارآفرینی، به فکر پیشرفت نبودن مسئولان، لزوم افزایش توانایی مدیران در ارتقای بهره‌وری و کارآفرینی، انتصاب مدیران پارک علم و فناوری از اعضای هیئت علمی، عدم اعتقاد مسئولان به چیزی که در ظاهر به انجام آن تأکید می‌کنند، عملکرد ضعیف مدیران در این حوزه، انتصاب مدیرانی که روحیه‌ی کارآفرینی ندارند، عدم مطالعه‌ی کافی در بین مسئولان، سوء مدیریت	ضعف رهبری استراتژیک و کارآفرینانه
بی‌انگیزگی، فقدان انگیزه برای خلاقیت و نوآوری در این استان	بحران سرمایه‌ی روان‌شناختی
نامیدی و تمایل کارآفرینان به مهاجرت، عوامل روان‌شناختی، اراده‌ی راسخ نداشتن مسئولان، ضعیف شدن اعتماد به نفس کارآفرینان، انگیزه و همت کم جوانان	عوامل جمعیت‌شناختی و زمینه‌ای
مهاجرت، قومیت‌گرایی، خروج افراد نخبه از استان به خاطر شرایط اقلیمی، نفت خیز بودن استان خوزستان، فرار ذهن‌های نخبه، مهاجر فرست بودن استان خوزستان	فرسایش سرمایه اجتماعی (حمایت و اعتماد ضعیف)
فقدان حمایت‌های مالی، لزوم هموار کردن فضا برای کارآفرینی، فقدان حمایت‌های جذاب و ترغیب‌کننده، عدم پشتیبانی از کارآفرینان در حوزه‌ی فروش محصول، ارائه خدمات ضعیف به شرکت‌های دانش‌بنیان، ضعف فضای حمایت‌گرا، عدم سرمایه‌گذاری روی کارآفرینی و شرکت‌های دانش‌بنیان، عدم اعتماد نهادهای متولی به صنایع کوچک	شکاف آگاهی و آموزش ناکافی
معرفی کم افراد کارآفرین، ضعف اطلاعاتی کارشناسان نهادهای متولی، عدم وجود آموزش‌های مناسب، شفاف نبودن جریان اطلاعات در این حوزه، برداشت ناصحیح از مفهوم اکوسیستم	

ادامه جدول ۱

سدهای پیشروی تولیدکنندگان و بوروکراسی اداری، بوروکراسی طاقت فرسا در سازمان‌های دولتی، فساد اداری، بوروکراسی اداری طاقت فرسا برای کارآفرین تسهیل شوند، به هدر رفتن انرژی کارآفرین به جهت بوروکراسی اداری، روبرویی کارآفرینان با مشکلات اداری، تلقی بوروکراسی اداری به عنوان بزرگ‌ترین مانع کسب و کار، عدم آشنایی کافی نیروی انسانی با کارآفرینان در ساختار اداری، ناامیدی کارآفرینان به خاطر مالیات‌های هنگفت، حاشیه‌های فضای کاری به خاطر اخذ مجوز کار	ساختار سازمانی بوروکراتیک و نه توانمند ساز
نبود سرمایه کافی، رکود موجود در جامعه، رونق نداشتن صنایع کوچک، مشکلات واردات تجهیزات، جهش ارزش و از دست دادن مشتریان	رکود و بی ثباتی
غالب بودن فرهنگ سنتی بر کار و شغل، باور و اعتقاد افراد به لزوم استخدام در مشاغل دولتی، ضعف ایده‌پردازی و عادت به کارهای دولتی، چشم داشتن به کارهای دولتی، غالب بودن تفکر کار دولتی در استان و نگرش دولتی حاکم در حوزه اشتغال	عادت‌واره دولتی
اقتصاد رانتی و غیر شفاف، اقتصاد تک بعدی و محدود به نفت	اقتصاد تک محصولی
اقتصاد کارمندی و حقوق‌بگیری و اقتصاد نفتی	

ضعف رهبری استراتژیک و کارآفرینانه

از منظر خبرگان یکی از موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان ضعف رهبری و استراتژیک و کارآفرینانه می‌باشد. در حوزه‌ی کارآفرینی رهبری راهنمایی و جهت‌گیری کنش جمعی را تعیین می‌کند (استم و وان دی ون، ۲۰۱۹: ۹). رهبران کارآفرین اقدام‌های خود را با حذف تشریفات زائد اداری، به طور کارآمد انجام می‌دهند، آن‌ها ایده‌های خوب دیگران را رصد می‌کنند، دیگران را به بهره‌برداری خلاق از ایده‌هایشان تشویق می‌کنند، افراد را برای مواجهه با یک چالش گرد هم می‌آورند و محیطی ایجاد می‌کنند که در آن افراد برای ایجاد بهبود برانگیخته می‌شوند (زالی، ۱۳۸۹: ۴۹). تأکید مصاحبه‌شوندگان بر مفاهیمی چون نداشتن روحیه‌ی کارآفرینی، عملکرد ضعیف مدیران در این حوزه، به فکر پیشرفت نبودن مسئولان، عدم مطالعه‌ی کافی در بین مسئولان، سوء مدیریت و... حاکی از اهمیت این مقوله می‌باشد. در ذیل به برخی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در خصوص ضعف مدیریت استراتژیک در استان خوزستان اشاره خواهیم نمود.

مشارکت‌کننده‌ای در خصوص عملکرد نهادهای مولی در استان خوزستان اینگونه می‌گوید: «بحث اعظم مدیران استان که دیدگاه کارآفرینی ندارند و ترس از منصب دارند نگاه توسعه‌ای ندارند». مورد ۱۶ (۵۰ ساله) می‌گوید: به نظر من اصلی‌ترین عامل انتصاب مدیراتی است که کارآفرین نیستند و آشنایی چندانی با مشکلات این حوزه ندارند... .

بحران سرمایه‌ی روان‌شناختی

بحران سرمایه‌ی روان‌شناختی یکی دیگر از چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان می‌باشد. سرمایه روان‌شناختی مجموع‌ای از صفات و توانمندی‌های مثبت است که م‌تواند مانند یک منبع قوی در رشد و ارتقاء فرد و سازمان نقش داشته باشد (حمیدی بیناباج، ۱۳۹۶: ۳۰). طبق دیدگاه اوی و همکاران (۲۰۱۰) خودکارآمدی، امیدواری، خوش‌بینی و انعطاف‌پذیری که به طور مستقیم با نگرش و احساس افراد مرتبط است و ممکن است بر رفتار افراد تأثیر بگذارد (جون تانگ^۱، ۲۰۲۰: ۱) مصاحبه‌شوندگان بر این باور هستند که در استان خوزستان انگیزه‌ای برای نوآوری و خلاقیت وجود ندارند و امید به آینده و اعتماد به نفس کارآفرینان تضعیف شده است. از منظر مشارکت‌کنندگان بحران سرمایه روان‌شناختی مانع توسعه زیست‌بوم کارآفرینی در استان می‌باشد.

مشارکت‌کنندگان در خصوص بحران سرمایه روان‌شناختی این‌گونه می‌گویند: «افراد در استان خوزستان حاضرند نگرهبانی بدهند ولی تفکر خیر». مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «من به عنوان یک کارآفرین این مسائل را در خوزستان می‌بینم و می‌خواهم بروم نامیدم». مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «در استان خوزستان افراد کارآفرینی گرایش ندارند. اینکه به کاری را از نو شروع کنند». مشارکت‌کننده ۱ (۲۸ ساله) می‌گوید: افراد انگیزه کافی برای خلاقیت و نوآوری ندارند.

عوامل جمعیت‌شناختی و زمینه‌ای

انسان بخشی از ساختار اجتماعی-اقتصادی پیرامون خود م‌باشد و از محیط متأثر شده و بر آن تأثیر می‌گذارد. نادیده گرفتن ابعاد محیطی و اجتماعی، منجر به عدم موفقیت برنامه‌های مربوط کار و بهره‌وری و نابرابری را در وضعیت اقتصادی و اجتماعی گروه‌های مختلف جامعه محسو تر نموده است.

مصاحبه‌شوندگان تصریح کرده‌اند که مهاجرت، قومیت‌گرایی در استان، شرایط اقلیمی از موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی می‌باشد.

همچنین مصاحبه‌کننده‌ای اظهار می‌کند: «خوزستان ۵ سال گذشته مهاجر فرست بوده افرادی که تحصیلات و دانش لازم را داشته‌اند ذهن خوب نمی‌ماند و آرام آرام با خاک خاکستر می‌شود».

فرسایش سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط نهادی شده بین افراد یا ساده بگوییم، عضویت در یک گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندها است، در واقع پیوندهای شبکه‌ای می‌بایست از نوع خاصی باشند؛ یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد؛ لذا شناسایی میزان و روند سرمایه اجتماعی در میان مردم یک کشور می‌تواند به شناسایی روند تحولات فرهنگی و اجتماعی آن جامعه کمک زیادی بکند. اما در چند دهه گذشته در اجتماع، میزان فرسایش و نابودی سرمایه اجتماعی به مراتب بیشتر بوده است. در اجتماع، میزان فرسایش و نابودی سرمایه اجتماعی به مراتب بیشتر بوده است. البته یکی از دلایل وجود عدم اعتماد در جامعه را فقدان امنیت و عدم توانایی جامعه در تأمین حقوق افراد می‌دانند (نامی، ۱۳۹۹).

در ذیل به برخی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در خصوص فرسایش سرمایه اجتماعی در استان خوزستان اشاره خواهیم نمود.

مشارکت‌کننده‌ی شماره ۱۵ (۳۷ ساله) می‌گوید: «صندوق‌های حمایتی که در صورت شکست کارآفرین، بتواند که از کارآفرینان و نوآوران وجود ندارد. مشارکت‌کننده شماره ۱۶ (۵۰ ساله) می‌گوید: ... وقتی ما پروژه‌های را طی مناقصه بر می‌داریم حمایت و نظارتی بر ما صورت نمی‌گیرد و فقط ما هستیم که کار رو انجام می‌دهیم اما زمانی که نمایشگاه تهران برگزار می‌شود از ما می‌خواهند شرکت کنیم و دستاوردهای ما را به نمایش بگذاریم».

ساختار سازمانی بوروکراتیک و غیر تواناساز

از منظر مشارکت‌کنندگان یکی ساختار سازمانی بوروکراتیک و غیر تواناساز دیگر از چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی را در استان تحت الشعاع قرار می‌دهد، ساختار سازمانی بوروکراتیک و نه تواناساز می‌باشد. طبق دیدگاه میتزبرگ^۲ (۱۹۷۲)، ساختار سازمانی چارچوب روابط مربوط به مشاغل، سیستم‌ها، فرآیند عملیاتی، افراد و گروه‌هایی است که برای دستیابی به اهداف تلاش می‌کنند در این سازمان‌ها روابط انعطاف‌پذیر نیست و روابط رسمی و سیستم تصمیم‌گیری متمرکز می‌باشد (علی احمدی و همکاران، ۲۰۱۶: ۴۵۸).

در نهایت با توجه به مضامین مورد اشاره مشارکت‌کنندگان، سیاست‌گذاری‌های دولت در سال‌های اخیر، عملاً کارکنان را بیش از پیش در قلمرو زحمت و تقلا فرو برده است. آئین‌نامه‌های مربوط به استخدام افراد به صورت قراردادی، پیمانی، آزمایشی و ... تحت الشعاع قرار دادن امنیت شغلی آنان و همچنین قدرت گرفتن اداره‌های نظارتی از یک سو و به نابودی

1. www.vista.ir
2. Mintezbeg

کشاندن انجمن‌های صنفی و سندیکا‌های کارگری از سوی دیگر به این وضعیت دامن زده است. دیگر کسی طرحی در نمی‌اندازد. همگی در تقلا و زحمت فرو رفته‌اند و کارهای تکراری روزمره را به پیش خواهند برد.

با توجه به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان ساختار ضعیف بوروکراتیک در استان خوزستان آن‌ها را عملاً ناامید و ناتوان ساخته است. در ذیل به برخی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در این خصوص اشاره خواهیم نمود:

مشارکت‌کنندگان در خصوص ساختار ضعیف بوروکراتیک در استان خوزستان اینگونه می‌گویند: «این بوروکراسی اداری طاقت فرسا که در سازمان‌های دولتی داریم هر چقدر برای کارآفرین تسهیل شوند بهتر است». دیگری می‌گوید: «ولی واقعاً در این ده سال به هر شکلی بود پیشرفت کردیم اما واقعاً بوروکراسی اداری انرژی مضاعفی را از ما گرفته و اگر اینها نبود ما دو پله بالاتر بوده ایم. بیمه و مالیات کارفرما خصوصی را اذیت می‌کند». همچنین شخص دیگری چنین اظهار می‌کند: «مسائل مربوط به مالیات، توزیع استاندارد و بیمه این‌ها در سیستم کشور ما به شکلی هستند که امید کارآفرینی را می‌گیرند و ذهن کارآفرین را به جای تولید و پیشرفت با یک سری کاغذ بازی اداری هدر می‌دهد». مشارکت‌کنندگان در خصوص بحران بوروکراسی اینگونه می‌گویند: «بوروکراسی اداری انرژی مضاعفی را از ما گرفته و اگر این‌ها نبود ما دو پله بالاتر بوده ایم».

رکود و بی‌ثباتی اقتصادی

این واژه معمولاً تکان‌های ناشی از شوک‌ها را در بر می‌گیرد و هم تغییرات غیرمتعارف برخی متغیرهای اقتصادی همانند بالا بودن نرخ تورم را شامل می‌شود. به طور کلی، وقوع شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی، نوسان‌ها و انحرافات متغیرهای اقتصادی، عدم امنیت اقتصادی و غیره به عنوان بی‌ثباتی مطرح شده‌اند (رمضان پور، ۱۳۷۹). بی‌ثباتی اقتصاد کلان موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به تحولات آینده خواهد شد و در نتیجه آن فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفاف از آینده ترسیم نمایند. مصاحبه‌شوندگان تصریح کرده‌اند که نبود سرمایه کافی، رکود موجود در جامعه، رونق نداشتن صنایع کوچک، مشکلات واردات تجهیزات، جهش ارزش و از دست دادن مشتریان از جمله چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در این استان است.

مشارکت‌کنندگان در خصوص رکود و بی‌ثباتی اقتصادی اینگونه می‌گویند: «طرح‌های زیادی داشتیم که دستگاه‌های دریایی که از کار می‌افتند را درست می‌کردم اما هیچ کدام به خاطر تحریم‌ها عملیاتی نشده است». مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «ما در بخش انرژی خورشیدی کار می‌کنیم ۵ برابر ولی خرید تضمینی ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده هزینه اولیه زیاد شده ۱۰۰ درصد سال ۹۱ جهش دلار داشتیم از هزار تومان به ۳ هزار تومان ولی خرید

تضمینی کم شد انتهای ۹۷-۹۶ شرایط باثبات شده بود ولی سال ۹۸ سال بدی شد و بر روی قیمت محصولات تأثیر داشت و باعث شد مشتری را از دست بدهیم. مثلاً قبلاً سرمایه‌گذاری می‌کردی انتظار داشت پولش ۳ سال برمی‌گشت ولی الان توجیه اقتصادی اومده پایین پولش ۷ یا ۸ سال برمی‌گردد». همچنین مشارکت‌کننده دیگری چنین اظهار نظر می‌کند: «در دنیای متمدن نقش خدمات ۸۰ درصد است ما ۳۰ درصد فاصله داریم و باید کشاورزی مکانیزه شود این اراده در خوزستان نیست».

عادتواره^۱ دولتی (هسته مرکزی)

در نظر بوردیو، عادتواره ساختارهای ذهنی یا شناختی هستند که انسان‌ها به وسیله‌ی آن با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند. انسان‌ها یک دسته طرح کلی درونی شده دارند که با آن دنیای اجتماعی را ادراک، فهم و ارزیابی می‌کنند. انسان‌ها از طریق این طرح‌های کلی است که هم عمل خود را پدید می‌آورند و هم آن‌ها را ادراک و ارزیابی می‌کنند (گلابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۷). هابیتوس حس عملی از استراتژی‌ها و کنش‌های پایدار را در یک موقعیت معین ایجاد می‌کند که نه تنها بر موفقیت اجتماعی کنشگران بلکه در درک آن‌ها از توزیع قدرت در این زمینه مناسب است. زمینه‌های فرهنگی محلی نقش مهمی در شکل دادن به ماهیت کارآفرینی منطقه‌ای دارند. این فرهنگ‌ها بر همه جنبه‌های فرآیند کارآفرینی تأثیر می‌گذارند، از اولین فکر برای شروع بنگاه تا تصمیم نهایی خروج. برخی از جوامع فاقد سابقه کارآفرینی بوده و دارای فرهنگ‌هایی هستند که مانع از ریسک کارآفرینی می‌شوند. در چنین فرهنگ‌هایی، سایر بازیگران مانند خانواده یا دوستان کارآفرین تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری در یک شرکت جدید دارند؛ زیرا کارآفرینی ریسکی بالا تلقی می‌شود. برعکس، در منطقه‌ای با سابقه موفقیت در کارآفرینی فرهنگی ایجاد می‌شود که از تلاش‌ها و خطرات کارآفرینی حمایت و تجلیل می‌کند (اسپیگل، ۲۰۱۲).

در استان خوزستان ساختمان ذهنی دولتی به معنای مجموعه ارزش‌ها و نگرش‌های ملکه ذهن نسبت به کارآفرینی می‌باشد که افراد در طی جامعه‌پذیری از خانواده و مراکز آموزشی و رسانه‌ها آموخته است و طبق این عادت‌واره عاملان اجتماعی بیشتر به مشاغل دولتی تمایل دارند و تمایلی به مشاغل غیر دولتی و فعالیت‌های مرتبط با کارآفرینی ندارند.

در این خصوص مصاحبه‌شونده ی شماره ۱ (۲۸ ساله) می‌گوید: تا زمانی که افراد استخدام در مشاغل دولتی را بهترین شغل برای خود بدانند، توسعه‌ی کارآفرینی با مشکل مواجه می‌شود. مشارکت‌کننده ۵ (۳۳ ساله) اینگونه می‌گوید: «ساختار اداری نشأت گرفته از تفکر موجود و صنعتی در استان خوزستان است. بحث فرهنگی جا نیافتاده است که فرد در استان

1. Habitus
2. spigel

از منابع طبیعی برخوردار باشد خوداشتغالی را رونق دهد و بعد کارآفرین شود. نگاه به حوزه کارآفرینی و شرکت‌های خصوصی نگاه مثبتی نیست».

شکاف آگاهی و آموزش ناکافی

آموزش کارآفرینی سیاستی است که به طور مستقیم در کمیت و کیفیت عرضه کارآفرین در یک جامعه اثر می‌گذارد. به همین دلیل در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته که تا حدودی در آن‌ها موانع و مشکلات برطرف شده است، دولت‌ها به شکوفا کردن توان بالقوه مردم پرداخته‌اند. مشارکت‌کنندگان تصریح کرده‌اند که معرفی کم افراد کارآفرین، برداشت ناصحیح از مفهوم اکوسیستم، ضعف اطلاعاتی کارشناسان نهادهای متولی، عدم وجود آموزش‌های مناسب، شفاف نبودن جریان اطلاعات در این حوزه و به یک معنا شکاف آگاهی و آموزش ناکافی از چالش‌های اساسی در توسعه زیست‌بوم کارآفرینی می‌باشد.

مشارکت‌کننده‌ای اینگونه می‌گوید: «کارآفرینی مقوله‌ای که ۲۰ سال وارد شده ولی کارشناسان مفهومی از اکوسیستم ندارند. یک قسمت اعظم آن مربوط به دانشگاه است که باید نیرو را آماده کند».

مشارکت‌کننده دیگری چنین می‌گوید: «نشست با برنامه‌ریزان متولی و با پرسنل مرتبط و بدنه کارشناسی ارتباط برقرار کنیم که اهمیت این مسئله چقدر است تا جا بیفتد بین بدنه چرا که اگر مدیر بپذیرد بدنه کارشناسی نمی‌پذیرد که به صورت و بنیاد این مسئله اشتغال، تولید و کارآفرینی در یک زیست‌بوم برای بدنه کارشناسی توضیح داده شود». مشارکت‌کننده ۲۰ (۶۰ ساله) می‌گوید: «جریان اطلاعات این حوزه در جامعه شفاف نیست همچنین معرفی فرصت‌های کارآفرینانه یا افراد موفق این حوزه به اندازه‌ای نیست که بتوان اذعان داشت که افراد دسترسی کامل و جامع دارند...»

اقتصاد تک محصولی

تدقیق در یافته‌های مصاحبه نشان داد که اقتصاد رانتهی و غیر شفاف، اقتصاد تک بعدی و محدود به نفتیکی دیگر از چالش‌های توسعه زیست‌بوم کارآفرینی می‌باشد. حضور دولت‌ها در اقتصاد و دخالت‌های نامتوازن آن‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه نیافتن صنعت کشور است. دخالت‌های دولت در تعیین قیمت تا سیاست‌های تعرفه‌ای و ... صنعتگران را به برخی سیاست‌های حمایتی وابسته کرده و باعث شده است تا آن‌ها کمتر به کار آفرینی و فعالیت‌های نوآورانه ترغیب شوند.

یکی از مشارکت‌کنندگان چنین اظهار می‌کند: «برای این‌ها کارآفرینی مطرح نیست؛ چرا که درآمدها جای دیگر است درآمدهای نفتی با چند شرکت کوچک که در حوزه کارآفرینی را هدایت کرده».

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان در گرو شناسایی موانع و چالش‌های آن حوزه از منظر خبرگان می‌باشد. در این پژوهش با روش کیفی موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی از منظر خبرگان شناسایی شده است. کدگذاری یافته‌های مصاحبه نشان داد که ساختار سازمانی بوروکراتیک و غیر تواناساز مانع اصلی در توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی می‌باشد از نظر و بر، بوروکراسی اصول ثابت و قلمرو قانونی که نظام براساس آن‌ها در چارچوب قوانین و مقررات اداری شکل می‌یابد. در این راستا، آلوین گولدر بر این باور است که بوروکراسی کاذب به معنای تحمیل مقررات از طرف مدیر صورت می‌گیرد، اما کارمندان در اجرای آن به شیوه‌ای غیر از قانون عمل می‌نمایند. طبق این رویکرد بوروکراسی در نتیجه استفاده از روش‌های نامانوس و غیررسمی می‌تواند به کاهش کارآیی بینجامد. همسو با یافته‌های مصاحبه نتایج پژوهش اوشق سری و همکاران (۲۰۱۱)، شوقی و سیفی‌پور (۲۰۱۳) نیز نشان داد که بین کارآفرینی و ساختار سازمانی رابطه معنی‌دار وجود دارد. تدقیق در یافته‌های مصاحبه نشان داد دیدگاه توسعه محور نداشتن مدیران استان، فقدان دیدگاه کارآفرینی در بین مسئولان و نداشتن درکی از کارآفرینی، عدم آشنایی مدیران با مشکلات حوزه‌ی کارآفرینی، به فکر پیشرفت نبودن مسئولان، سوء مدیریت و عملکرد ضعیف مدیران در این حوزه تحت عنوان مقوله ضعف رهبری و مدیریت استراتژیک موانع توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی می‌باشد. این مقوله با یافته‌های پژوهش لی و همکاران (۲۰۲۰) نیز همخوانی دارد. مقوله بحران سرمایه روان‌شناختی با مصادیقی چون بی‌انگیزگی، فقدان انگیزه برای خلاقیت و نوآوری در این استان، اراده‌ی راسخ نداشتن مسئولان، ضعیف شدن اعتماد به نفس کارآفرینان انگیزه و همت کم جوانان توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی را با چالش مواجه می‌سازد. همچنین یافته‌های این مقوله همسو با نظریه سرمایه روان‌شناختی سلینگمن و لوتاز محسوب می‌شود. وی خودکارآمدی / اعتماد به نفس، امیدواری، خوش‌بینی و انعطاف‌پذیری از مؤلفه‌های کلیدی سرمایه‌ی روان‌شناختی می‌داند و بر این باور است که افرادی که سرمایه روان‌شناختی بالایی دارند بیش از سایرین جهت رسیدن به ایده‌های خود تلاش می‌نمایند و به دنبال رشد و پیشرفت می‌باشند. به لحاظ تجربی نیز مقوله فوق با یافته‌های پژوهش بالوکو و همکاران (۲۰۱۸)، حیدری ساریان و مجنونی توتاخانه (۱۳۹۶)، لی و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد. مهاجرت، قومیت‌گرایی، خروج افراد نخبه از استان به خاطر شرایط اقلیمی، نفت‌خیز بودن استان خوزستان، فرار ذهن‌های نخبه، مهاجر فرست بودن استان خوزستان مفاهیم و عواملی بودن که اکثر مصاحبه‌شوندگان به آنان اشاره کرده بودند. پس از کدگذاری و بررسی یافته‌های تحقیق این عوامل تحت عنوان موانع جمعیت‌شناختی دسته‌بندی شده‌اند. یافته‌های مقوله حاضر بر این مسئله تأکید می‌کند که عدم توجه به شرایط اقلیمی و ناهمخوانی این شرایط با وضعیت زندگی در این استان باعث عدم کارآیی و بهره‌وری کارآفرینان می‌گردد. از

این حیث اعتبار یافته‌های پژوهش تصدیق می‌گردد. همچنین این مقوله با یافته‌های پژوهش نیومر و همکاران (۲۰۱۹) همسویی محتوایی دارد. نبود سرمایه کافی، رکود موجود در جامعه، رونق نداشتن صنایع کوچک، مشکلات واردات تجهیزات و جهش ارزش و از دست دادن مشتریان عواملی بودند که در یافته‌های پژوهش نمایان شده‌اند و می‌توان از این مفاهیم تحت عنوان موانعی که در نتیجه بی‌ثباتی و رکود اقتصادی پدیدار شده‌اند نام برد. یافته‌های مصاحبه رکود اقتصادی و عدم ثبات اقتصادی در جامعه را به عنوان مانعی اساسی در راه ترویج و توسعه کارآفرینی تایید می‌نمایند که این یافته با نتایج یافته‌های پژوهش کیاکجوری و همکاران (۱۳۹۱) و هان و همکاران (۲۰۱۹) با این مقوله همخوانی دارد. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان مفاهیمی بیان گردید که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان مقوله ساختمان ذهنی دولتی و فوران فرهنگ سنتی دسته‌بندی نمود. در این زمینه مصاحبه‌شوندگان از مفاهیمی همچون غالب بودن فرهنگ سنتی در استان، باور و اعتقاد افراد به لزوم استخدام در مشاغل دولتی، ضعف ایده‌پردازی و عادت به کارهای دولتی، چشم داشتن به کارهای دولتی، غالب بودن تفکر کار دولتی در استان، فرهنگ عمومی و نگرش حاکم در حوزه‌ی اشتغال نام برده‌اند که پس از تحلیل و بررسی تحت مقوله «عادتواره دولتی» و فوران فرهنگ سنتی دسته‌بندی شده‌اند. یکی دیگر از موانع و چالش‌های توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی عادتواره دولتی می‌باشد. مفهوم یاد شده طبق دیدگاه بوردیو به ساختارهای ذهنی یا شناختی اطلاق می‌شود که انسان‌ها از طریق آن با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند. عادتواره کنش‌های کارآفرینی افراد را متأثر می‌سازد و عملکردهایشان را تولید کرده و آن‌ها را درک و ارزش‌گذاری می‌کنند. در استان خوزستان به فکر ایده‌های نوآورانه و سخت‌کوشی نباشند. بنابراین، یافته‌های پژوهش در مقوله حاضر به تبیین عادتواره در میان مصاحبه‌ها پرداخته است و چگونگی فوران فرهنگ سنتی را به عنوان سدی در مقابل تقویت فرهنگ کارآفرینی تشریح می‌نماید. این یافته با تئوری کنش بوردیو همخوان می‌باشد. همچنین موانعی همچون معرفی کم افراد کارآفرین، ضعف اطلاعاتی کارشناسان نهادهای متولی، عدم وجود آموزش‌های مناسب، شفاف نبودن جریان اطلاعات در این حوزه و برداشت ناصحیح از مفهوم اکوسیستم و به یک معنا شکاف آگاهی و آموزش مانع توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان بوده است. هال و اندرین (۲۰۰۲) شکاف دانش را تفاوت میان توانایی‌های کنونی سازمان و توانایی‌های مورد نیاز آن برای مدیریت دانش تعریف کرده‌اند. این مبنا و همسویی با یافته‌های شیل و همکاران (۲۰۰۲)، تولید و انتشار اطلاعات برای عموم مخاطبان توسط دولت، نهادهای عمومی و یا سازمان‌های غیردولتی با اهداف عام‌المنفعه، زیرساخت مهمی برای توسعه کارآفرینی محسوب می‌شود.

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان و به یک معنا بحران سرمایه‌ی اجتماعی (فقدان حمایت‌های مالی، عدم پشتیبانی از کارآفرینان در حوزه‌ی فروش محصول، عدم اعتماد نهادهای متولی به

صنایع کوچک) باعث عدم توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی می‌شود. سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو در مجموعه منابع واقعی و بالقوه‌ای است که در اثر عضویت در شبکه اجتماعی یا سازمان‌ها به دست می‌آید (بوردیو، ۱۹۸۴: ۲۴۸). این مقوله با یافته‌های پژوهش (ربیعی و سرابی ۱۳۹۲، ربیعی و صادق‌زاده ۱۳۹۰، نیومر و همکاران (۲۰۱۹)، تئوداراکی و همکاران (۲۰۱۸)، دوه و زولنیک (۲۰۱۱)، سیمونو و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به لحاظ نظری در حوزه‌ی جامعه‌شناسی کار و مشاغل کاربرد بالایی داشته باشد. همچنین از یافته‌های این پژوهش سازمان‌هایی همچون سازمان ورزش و جوانان، اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی و استانداری خوزستان می‌توانند جهت رفع موانع کارآفرینی و توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی در استان خوزستان استفاده نمایند. بر اساس یافته‌های تحقیق، به منظور توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی پیشنهادات کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- به منظور توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی روابط شبکه‌ای کارآفرینان استان با سایر استان‌ها و کشورها جهت انتقال تجارب تقویت گردد. نهادهای متولی با حمایت‌های جذاب و ترغیب‌کننده و ارائه خدمات سازمانی با کیفیت به شرکت‌های دانش بنیان و کارآفرینان می‌توانند به توسعه‌ی این مهم کمک نمایند.

- از طریق روش‌های علمی و با تقویت مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای و اجتماعی و با ارائه‌ی خدمات و تسهیلات و... از مهاجرت کارآفرینان و افراد نخبه استان خوزستان جهت توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی پیشگیری به عمل آید.

- سازمان‌های متولی جهت تسریع در اعطای مجوز به کسب و کارها، سامانه‌های آنلاین پیگیری مکاتبات اداری را در استان خوزستان راه‌اندازی نمایند.

- پیشنهاد می‌شود از طریق برگزاری وبینارها و جلسات حضوری مستمر، دانش و آگاهی مدیران نهادهای متولی از مسائل و مشکلات کارآفرینان و شرکت‌های دانش بنیان ارتقاء یابد. همچنین پیشنهاد می‌شود با استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته اصول مدیریت استراتژیک و اثربخش به مسئولان نهادهای متولی کارآفرینی جهت ترویج کارآفرینی آموزش داده شود.

- تدوین قوانین تواناساز و شفاف‌سازی قوانین مرتبط با اعطای تسهیلات و پروژه‌ها و رعایت دستورالعمل‌های قانونی در حمایت از کارآفرینان می‌تواند گامی اساسی در توسعه‌ی زیست‌بوم کارآفرینی باشد.

- صدا و سیما استان خوزستان با تهیه و پخش فیلم‌ها و کلیپ‌هایی با عنوان معرفی کارآفرینان برتر استان و مدیران موفق شرکت‌های دانش بنیان می‌تواند به توسعه کارآفرینی در استان مساعدت نماید.

منابع

- پيله وری، اعظم (۱۳۹۵). جایگاه ادبیات تحقیق در نظریه پردازی داده محور، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، سال ۵، شماره ۱، صص ۱۱۶-۱۲۶.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه*. تهران: نشر شیرازه.
- حسینی‌نیا، غلامحسین؛ علی‌آبادی، وحید و عطایی، پوریا (۱۳۹۸). طراحی الگوی زیست‌بوم کارآفرینی در کسب‌وکارهای روستایی تعاون محور، *توسعه کارآفرینی*، ۱۲ (۳): ۳۶۰-۳۴۱.
- حمیدی بینان‌باج، مژگان (۱۳۹۶). طراحی مدل ارتقاء بهره‌وری کارکنان در سازمان: تبیین نقش سرمایه‌ی روان‌شناختی. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۹ (۳۰): ۲۹-۴۷.
- حیدری ساریان، وکیل و مجنونی توتاخانه، علی (۱۳۹۶). نقش سرمایه روان‌شناختی در ارتقای کارآفرینی روستایی استان آذربایجان شرقی. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۶ (۴): ۹۷-۱۱۸.
- خاکباز، افشین و پویان، حسن (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی، دموکراسی و توسعه*، تهران، انتشارات شیرازه.
- ربیعی، علی و صادق‌زاده، حکیمه (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی بر کارآفرینی. *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۱ (۴۱): ۱۹۱-۲۲۱.
- زالی، محمد رضا (۱۳۹۰). به سوی نظریه‌ی وضعی کارآفرینانه، *توسعه‌ی کارآفرینی*، ۳ (۱۲): ۴۵-۶۴.
- گلایی، فاطمه؛ بوداقتی، علی و علی پور، پروین (۱۳۹۴). مروری تحلیلی بر تلفیق عاملیت و ساختار در اندیشه پیر بوردیو. *دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۴ (۶): ۱۱۷-۱۴۳.
- مقیم‌سید محمد (۱۳۸۵). بررسی ارتباط رفتار شهروندی سازمانی و فرهنگ کارآفرینی در سازمان‌های دولتی، ۴ (۱۳): ۱۷۱-۱۹۲.
- نادمی، داوود (۱۳۹۹). فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش انصاف اجتماعی در ایران. *مجله ویستا*.
- هویدا، رضا؛ مختاری، حجت‌اله و فروهر، محمد (۱۳۹۱). رابطه مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های تعهد سازمانی. *فصلنامه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۲ (۲): ۴۳-۵۶.
- ویسی، رضا و کریم‌زاده، پریسا (۱۳۸۹). توسعه فرهنگ کارآفرینی؛ عوامل و راهکارها، *دو فصلنامه برنامه و بودجه*، ۱۱: ۱۵۹-۱۸۳.
- Ahmady, G. A., Mehrpour, M., & Nikooravesh, A. (2016). Organizational structure. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 230, 455-462.
- Baluku, M. M., Kikooma, J. F., Bantu, E., & Otto, K. (2018). Psychological capital and entrepreneurial outcomes: the moderating role of social competences of owners of micro-enterprises in East Africa. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 8(1), 26.

- Brush, C., Edelman, L. F., Manolova, T., & Welter, F. (2019). A gendered look at entrepreneurship ecosystems. *Small Business Economics*, 53(2), 393-408.
- Carter, N., Bryant-Lukosius, D., DiCenso, A., Blythe, J., & Neville, J. (2014). The Use of Triangulation in Qualitative Research, Methods & Meanings. *Oncology Nursing Forum*, 41(5), 545-547.
- Chahine, S. (2018). **Interconnectedness in entrepreneurial ecosystems: a social capital perspective (Doctoral dissertation, University of Southampton)**. university of Southampton, 1-186.
- Dabson, B. (2009). **Entrepreneurship as an Economic Development Strategy**. Governor's Conference on Economic and Community Development September 14, Nashville, Tennessee.
- Liguori, E., Bendickson, J., Solomon, S., & McDowell, W. C. (2019). Development of a multi-dimensional measure for assessing entrepreneurial ecosystems. *Entrepreneurship & Regional Development*, 31(1-2), 7-21.
- Isenberg, D. J. (2010). How to start an entrepreneurial revolution. *Harvard business review*, 88(6), 40-50.
- Ivanov, D., & Dolgui, A. (2019). Low-Certainty-Need (LCN) supply chains: a new perspective in managing disruption risks and resilience. *International Journal of Production Research*, 57(15-16), 5119-5136.
- Tang, J. J. (2020). **Psychological capital and entrepreneurship sustainability**. *Frontiers in Psychology*, 11.
- Li, C., Makhdoom, H. U. R., & Asim, S. (2020). Impact of Entrepreneurial Leadership on Innovative Work Behavior: Examining Mediation and Moderation Mechanisms. *Psychology Research and Behavior Management*, 13, 105.
- Malen, J., & Marcus, A. A. (2017). **Promoting clean energy technology entrepreneurship: The role of external context**. *Energy Policy*, 102, 7-15.
- Mujahid, S., Mubarik, S., & Naghavi, N. (2019). Prioritizing dimensions of entrepreneurial ecosystem: a proposed framework. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 9(1), 51.
- Neumeyer, X., Santos, S. C., Caetano, A., & Kalbfleisch, P. (2019). Entrepreneurship ecosystems and women entrepreneurs: a social capital and network approach. *Small Business Economics*, 53(2), 475-489.
- Ooshaksaraie, M., Hadi Asghari, M., Farajpur, Z., & Taleghani, M. (2011). Relation between Organizational Structure and Organizational Entrepreneurship: Case Study: Manufacturing Companies in the West of Mazandaran Province. *Kuwait Chapter of Arabian Journal of Business and Management Review*, 33(832), 1-10.
- www.amar.org.ir
- Roundy, P. T., & Roundy, P. T. (2017 a). Social entrepreneurship and entrepreneurial ecosystems: Complementary or disjoint phenomena? *International Journal of Social Economics*, 44(9), 1252-67
- Shil, M., Shahriar, M. S., Sultana, S., Rahman, S. N., & Zayed, N. M. (2020). Introduction To University Based Entrepreneurship Ecosystem (U-Bee): A Model Case Study From Bangladesh. *International Journal of Entrepreneurship*, 24(1).
- Shoghi, B., & Safieepoor, A. (2013). The effects of organizational structure on the entrepreneurial orientation of the employees. *Journal of International Studies*, 6(2).
- Simonova, V., Popov, E., & Komarova, O. (2020). **Social Networks as a Tool for Leadership in Entrepreneurship Ecosystem**. In 5th International Conference

on Social, Economic, and Academic Leadership (ICSEALV 2019) (pp. 58-62). Atlantis Press.

Spigel, B. (2012). **Regional cultural contexts and entrepreneurial intentions: A Bourdieuan approach.** In Babson College Entrepreneurship Research Conference, Texas Christian University, Fort Worth, TX, June.

Stam, E., & van de Ven, A. (2019). Entrepreneurial ecosystem elements. *Small Business Economics*, 1-24.

Theodoraki, C., Messegem, K., & Rice, M. P. (2018). A social capital approach to the development of sustainable entrepreneurial ecosystems: an explorative study. *Small Business Economics*, 51(1), 153-170.

